

بررسی و تحلیل زبان گفت‌وگو در کولی‌واره‌های سیمین بهبهانی

۱- منوچهر تشکری ۲- صدیقه پاک‌ضمیر

چکیده

کولی‌واره‌ها مجموعه‌ی شانزده غزل نو از سروده‌های شاعر معاصر، سیمین بهبهانی است که در دفتر «دشت‌ارژن» به سال ۱۳۶۲ منتشر شده است. خواننده هنگام مطالعه‌ی این غزل‌ها، با مجموعه‌ای از روایت‌ها روبه‌رو می‌شود که سازه‌ی اصلی آن را گفت‌وگو تشکیل می‌دهد. از این رو نویسندگان این مقاله به بررسی زبان گفت‌وگو در مجموعه‌ی کولی‌واره‌ها پرداخته‌اند. تحلیل زبان گفت‌وگو در روایت، از نظریه‌های ساختارگرایان است و در آن، عناصر زبانی دخیل در گفت‌وگو از جمله: واژگان، ترکیبات، ضمائر، لحن، گزاره‌های گفت‌وگویی، عناصر ادبی دخیل در روابط آن و کارکرد گفت‌وگو بررسی می‌شود. در این پژوهش نیز ساختار زبانی گفت‌وگو در کولی‌واره‌های سیمین بهبهانی بررسی شده و نگارندگان به نتایج تازه و قابل‌تأملی در زمینه‌ی نوآوری‌های این شاعر برجسته‌ی معاصر در غزل دست یافته‌اند؛ از جمله نتایج حاصل، این است که کارکرد گفت‌وگو در کولی‌واره‌ها به صورت‌های "بازتاب حالات درونی شاعر، توصیف وضع موجود، آرزوی وضع مطلوب و ایجاد وحدت مضمون در محور عمودی غزل" انجام گرفته‌است. شاعر در این شانزده روایت، کولی را - که نمادی از خود و هر زن و انسان آزاده و تلاشگری است- به کوشش برای ساختن جامعه‌ای بهتر دعوت می‌کند. از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، این است که کاربرد گفت‌وگو در کولی‌واره‌ها سبب شده این غزل‌های نو در دسته‌ی غزل روایی معاصر بگنجد؛ بدین گونه که شاعر از آمیختن غزل سنتی با غزل نو و گنجاندن مفاهیم تازه در قالب یک روایت، دیالکتیکی را میان غزل سنتی و نو برقرار کرده که به نوآوری در غزل روایی معاصر انجامیده‌است. این مقاله به روش توصیفی، تحلیلی و آماری انجام گرفته و در گردآوری داده‌ها از شیوه‌ی اسنادی و ابزار برگه‌نویسی (فیش‌برداری) استفاده شده‌است. بستر اصلی این پژوهش، مجموعه‌ی شانزده کولی‌واره از دفتر دشت‌ارژن سروده‌ی سیمین بهبهانی است.

واژگان کلیدی: روایت، ساختارگرایی، سیمین بهبهانی، غزل نو، کولی‌واره، گفت‌وگو.

m.tashakori@scu.ac.ir

spakzamir61@gmail.com

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ایران. (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ایران.

۱-۱- بیان مسأله و پرسش‌ها

شناسایی ساختار روایت و نشانه‌شناسی آن با ورود ساختارگرایانی چون یاکوبسن، باختین، پراپ، ژنت، کریستوا و رولان بارت، شکل جدی و منسجم‌تری به خود گرفت و هرکدام به سهم خود در تکامل این نظریه نقشی به‌سزا داشتند؛ بنابراین برای آغاز بحث، لازم است که بینیم اساساً از نگاه ساختارگرایان، روایت چیست.

بنابر نظر ساختارگرایان: «روایت مجموعه‌ای از رخدادها و زنجیره‌ای از وقایع مهم و پیچیده یا ساده و پیش پا افتاده است که آغاز و انجام، مکان و زمان، شخصیت‌ها، نقطه اوج، گره‌افکنی و گره‌گشایی و... دارد» (آسبرگر، ۱۳۸۰: ۱۸). ساختارگرایان از جمله بارت در این باره تأکید دارند که روایت، تنها یک متن داستانی نیست، بلکه گستره‌ای از هر نوع هنری و ادبی را دربرمی‌گیرد؛ به شرطی که در تعریف روایت بگنجد؛ مانند: فیلم، عکس، نقاشی، موسیقی، نمایش، داستان و شعر. از طرفی هر روایت، دارای عناصری چون پیرنگ، زاویه‌ی دید، صحنه، شخصیت‌پردازی، کنش و گفت‌وگوست. شیوه‌ی به‌کارگیری هرکدام از این عناصر در روایت، مجموعه‌ای از مناسبات درونی و نشانه‌ای متن را به ما نشان می‌دهد که از منظری، همان ساختار متن ادبی است. از میان این عناصر، زبان روایت جایگاه مهمی در اثر ادبی دارد؛ زیرا شاعر یا نویسنده برای بیان روایت خویش از یک موضوع، زبان ویژه‌ی خود را برمی‌گزیند. از این‌رو زبان هر شاعر یا نویسنده در بیان روایت، از سَنجه‌های سبکی و روایی وی به شمار می‌رود؛ بنابراین میان زبان روزمره (طبیعی) و زبان هنری (شعر) تفاوت است: «زبان شعر با زبان هرروزه یا زبان طبیعی، تفاوت دارد. یاکوبسن، شعر را کارکرد زیبایی‌شناسیک زبان و هجوم سازمان‌یافته و آگاه به زبان هرروزه می‌نامید.» (احمدی، ۱۳۹۲: ۶۸) در این پژوهش نیز هرچا سخن از زبان به میان آید، مقصود زبان در معنای کارکرد هنری آن در شعر است. در میان شاخصه‌های زبانی یک روایت، زبان گفت‌وگو نیز اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا هم پیرنگ را گسترش می‌دهد و هم بار پیشبرد بخشی از کنش‌های روایت را بر دوش دارد. افزون بر این‌ها از دید ساختارگرایان، گفت‌وگو یک راه انتقال مفاهیم مد نظر راوی به مخاطب است. از میان روایت-شناسان ساختارگرا یاکوبسن، بیش از دیگران به ساختار روایت در شعر پرداخته‌است. او نخستین بار عناصر سازنده‌ی رخدادهای زبانی را کشف کرد و آن را الگوی ارتباطی موفق نامید. از نظر وی برای ارتباط و انتقال مفاهیم، شش عنصر سازنده در هر رخداد زبانی وجود دارد: «فرستنده، گیرنده، پیام، زمینه، تماس و گد.» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۴) گفت‌وگو به عنوان یک رخداد زبانی، عنصر بنیادین در یک کنش ارتباطی و ابزار انتقال مفهوم، همین‌الگو را در خود دارد. از این‌رو بررسی ویژگی‌های زبانی گفت‌وگو در یک روایت، ظرافت‌ها و گوشه‌های هنری این الگوی ارتباطی را آشکار می‌سازد که نزد نگارندگان نیز یکی از ضرورت‌های انجام‌دادن این پژوهش بوده‌است.

ازسویی، کارکرد روایت و گفت‌وگو در شعر و داستان متفاوت است؛ روایت و گفت‌وگو در داستان با هدف گسترش پیرنگ، پیشبرد عمل داستانی (گره‌افکنی، گره‌گشایی، کنش رو به اوج و...)، پرورش مطلب و گاه بیان نظرات نویسنده از زبان شخصیت‌ها به کار می‌رود. در نتیجه، کارکرد آن پویاست؛ یعنی تعیین‌کننده‌ی بخش بعدی روایت در داستان است. همچنین کارکردهای دیگری نیز برای گفت‌وگو به‌ویژه در داستان مطرح شده‌است؛ از جمله: «بیان ویژگی شخصیت‌ها، بیان

رخدادهای روایت، بیان اطلاعاتی درباره‌ی فضا و صحنه و محیط.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۷۷) اما روایت و گفت‌وگو در شعر، با هدف وحدت موضوع، انسجام معنا (پیام)، توصیف، ارتباط مؤثرتر با مخاطب (گیرنده) و آسان‌تر شدن دسترسی مخاطب به مضمون انجام می‌شود. نتیجه آنکه روایت در شعر به عنوان یک ساختار، کارکرد دارد و ایستاست؛ یعنی منجر به دگرگونی در ماجرای روایت نمی‌شود، اما اگر هنرمندانه پرداخت گردد، شعر را هنری‌تر و به نوع ادبی شعر نمایشی، نزدیک می‌سازد. جز این‌ها پیوند شعر و روایت به یک دگرگونی و پیامد مهم در شعر معاصر انجامیده که آفرینش غزل روایی معاصر است؛ چنانکه: «...روایت می‌تواند در هر قالب ادبی، کارکرد داشته باشد و یکی از این کارکردها در بافت غزل، هویت می‌یابد.» (روحانی و منصور، ۱۳۸۶: ۱۰۹) غزل روایی مانند دیگر گونه‌های روایت، عناصر آن را در خود دارد و از میان عناصر روایت، گفت‌وگو در غزل روایی معاصر، کارکرد مؤثرتری را نشان داده است؛ ولی باید گفت که میان گزاره و گفت‌وگو در زبان غزل روایی، تفاوت وجود دارد؛ زیرا گزاره، کوچکترین واحد روایت است و صرفاً موضوع خود را بیان می‌کند و روی سخنش با دیگری نیست؛ درحالی که گفت‌وگو یکی از عناصر کاربردی روایت و زبان است و به موضوعی جز امر گفت‌وگو می‌پردازد؛ یعنی گوینده را به مخاطب می‌شناساند و همواره خطاب به دیگری بیان می‌شود. در این جاست که میان شاعر و راوی تفاوت پدید می‌آید و بنا بر نظر ساختارگرایان، شاعر سرانجام فانی است، اما شعر و راوی شعر او باقی است. همچنین در اغلب از فضاهایی که شعر می‌نامیم، از جمله فضای فراواقع‌گرایانه اساساً شاعر نمی‌تواند حضور داشته باشد، بلکه این راوی است که در حال روایت است: «به تعبیر دیگر ظاهراً شعر، پیامی است که شاعر، یعنی آدمی مثل خود ما برای یک خواننده، شاید من یا شما، ارسال می‌کند؛ اما تقریباً همیشه این پیام به این صورت ارائه می‌شود که کسی و نه خود شاعر، به کسی و نه ما خطاب می‌کند.» (گرین و دیگران، ۱۳۷۶: ۵۰) البته تفاوت و فاصله‌ی راوی و شاعر در کولی‌واره‌ها، خود موضوع پژوهشی دیگر است. با توجه به نکات مطرح، پژوهش حاضر در نظر دارد به سه پرسش زیر پاسخ دهد:

۱- ساختار زبانی و عناصر ادبی گفت‌وگوها در مجموعه کولی‌واره‌های سیمین بهبهانی چگونه است؟

۲- نوآوری‌ها و ابزارهای شاعر در این راستا چیست؟

۳- شاعر با چه هدفی گفت‌گوها را در مجموعه کولی‌واره‌های خود، جای داده است؟

۲-۱- دامنه‌ی کار و روش تحقیق

بستر اصلی این پژوهش، بر مجموعه‌ی شانزده کولی‌واره از دفتر دشت‌ارژن، سروده‌ی سیمین بهبهانی استوار است و نگارندگان بر این باورند که ساختار و عناصر روایت در این شانزده غزل به برجستگی وجود دارد. از میان این عناصر، عنصر گفت‌وگو بیشترین کاربرد را داشته و سبب شده است که ساختار این مجموعه، غزل روایی نو را پدید آورد. واکاوی و تحلیل شگردهای زبانی در مجموعه کولی‌واره‌ها، شناساندن ظرفیت‌های قالب غزل در شعر معاصر و چگونگی برقرار ساختن پیوند میان روایت و غزل در شعر سیمین بهبهانی، از جمله دلایلی است که ضرورت انجام دادن این پژوهش را مسجّل کرده است. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی، تحلیلی و آماری انجام یافته و داده‌ها به روش اسنادی، گردآوری شده است. ذکر این نکته لازم است که شیوه‌ی نوشتاری - دیداری شعر معاصر به ویژه در غزل نو، خود ویژگی سبکی به

شمار می‌آید و بنابراین نگارندگان نوع نگارش و رسم‌الخط اشعار کولی‌واره‌ها را به همان‌گونه که شاعر نوشته و منتشر کرده‌است، آورده‌اند.

۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی اشعار سیمین بهبهانی تاکنون پژوهش‌های گوناگونی انجام شده و دفتر "دشت ارژن" مانند دیگر دفترهای شعری وی از دیدگاه منتقدان دور نمانده؛ لذا برخی از مقالات مرتبط با پژوهش حاضر، شامل موارد زیر است:

۱-۳-۱- مقالات

در مقاله‌ی «*اوج و فرود و داستان‌وارگی در شعر ژاله اصفهانی و سیمین بهبهانی*»، نوشته‌ی مریم سادات دستغیب و لیلا پژوهنده، *مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب)*، دانشگاه شیراز، ش ۵۲، تابستان ۱۴۰۱؛ نویسندگان، مجموعه اشعار دو شاعر مذکور را مقایسه کرده و در آن به اشعار روایی هر دو پرداخته‌اند.

همچنین مهدی رستمی، مریم شعبانزاده و محمود حسن‌آبادی در مقاله‌ی «*ریشه‌یابی بوطیقای نیمایوشیج در غزل‌های نو سیمین بهبهانی*»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۲۶، تابستان ۱۳۹۵، ابتدا نگاه نیما به هنر شعر و شاعری را مطرح کرده و سپس به بررسی مقایسه‌ای و بازتاب آن در غزل‌های نو سیمین بهبهانی پرداخته‌اند.

مریم حسینی در مقاله‌ای با عنوان «*از رند حافظ تا کولی سیمین*»، *مندرج در مجله‌ی حافظ*، ش ۵۴، شهریور ۱۳۸۷، مقایسه‌ای هویت‌شناسانه میان شخصیت رند در غزلیات حافظ و شخصیت کولی در غزلیات سیمین انجام داده و به این نتیجه رسیده که کولی سیمین، همان رند حافظ بوده و نگاه منتقدانه و اعتراضی را از او به ارث برده‌است.

مهدی شریفیان نیز در مقاله‌ی «*تقش زبان در شعر سیمین بهبهانی*»، *مندرج در مجله زبان و ادبیات فارسی*، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴، مسائل زبانی و بلاغی را در اشعار سیمین بررسی کرده؛ ولی مشخصاً زبان گفت‌وگو را در بررسی خود قرار نداده است.

مقاله‌ی «*نیمای غزل: سیمین*»، نوشته‌ی علی‌محمد حق‌شناس، *مندرج در زنی با دامنی شعر، جشن‌نامه سیمین بهبهانی*، صص ۴۵-۵۹، به کوشش علی دهباشی، نشر نگاه، ۱۳۸۳ است که محقق در آن، به طور کلی اشعار و نوآوری‌هایی را که سیمین در غزل معاصر ایجاد کرده، بررسی نموده و تحول وی را با جایگاه تحول نیما در شعر معاصر فارسی، همسنگ دانسته و تفاوت را در نوع آفرینش‌های هنری این دو شاعر، شمرده‌است.

۱-۳-۲- پایان‌نامه‌ها

به جز مقالات، پایان‌نامه‌هایی نیز درباره‌ی اشعار سیمین بهبهانی انجام شده است؛ از جمله پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان *بررسی تطبیقی عشق از دیدگاه نزار قبانی و سیمین خلیلی (بهبهانی)* که اشواق یرفی (۱۳۹۷) در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران آن را انجام داده‌است.

همچنین بررسی پیوندهای بینامتنیت در غزلیات *عاشقانه سعدی و سیمین بهبهانی*، موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد مریم یوسفی‌پور (۱۳۹۵) در دانشگاه کردستان بوده است.